

تحرّز از نگاه آیه الله شهید بهشتی

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

دکتر سید محمد حسین بهشتی



شهید دکتر سید محمد حسینی بهشتی

مقدمه

اندیشمند وارسته و ژرف بین، روحانی جهان شناخته و سیاستمدار کم نظیر در دوران معاصر ایران آیه الله شهید دکتر سید محمد حسینی بهشتی از مجتهدین و فقهای انگشت شماری است که علوم قدیمه و جدیده را به همراه سوابق مبارزاتی و انقلابی و مدیریتی و انجام کارهای اجتماعی در خود جمع کرده بود و به خاطر همین جامعیت بود که بعد از شهادتش امام خمینی «ره» درباره او فرمود: «بهشتی به تنهایی یک امت بود».

آن شهید بزرگوار از نادر روحانیان عالی مقامی بود که به ضرورت تشکّل و تحزّب در عصر حاضر اعتقاد وافر داشت، و معتقد بود که در این زمان بدون آن، اداره جامعه و کسب موفقیت‌های جدی امکان ناپذیر است. گوشه‌هایی از اندیشه و نظرات آن مرحوم راجع به ضرورت اصل تحزّب و تشکّل در اسلام و نیز حزب جمهوری اسلامی که خود او از بنیانگذاران آن بود، در اوایل پیروزی انقلاب در مصاحبه‌هایی که با مجله «عروة الوثقی» انجام داده، منعکس است. ما به خاطر فواید زیاد آن و برای اینکه در دسترس علاقه‌مندان به این موضوع قرار بگیرد مجموع آن را در اینجا درج می‌کنیم. آگاهی به این موضوع و دستیابی به آن را مرهون لطف و اهتمام فرزندان بزرگوارش آقای دکتر سید علیرضا حسینی بهشتی هستیم که بدین وسیله اظهار امتنان می‌شود.

متن مصاحبه شهید بهشتی درباره تحزب

سوال: با توجه به اینکه انقلاب ما یک انقلاب اسلامی است و در واقع متکی به نیروی مردم، آیا ما نیازی به ایجاد حزب داشته‌ایم یا داریم؟

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم. بله، چون وقتی انقلاب پیروز می‌شود نوبت به تداوم انقلاب، نوبت به مدیریت، نوبت به برنامه‌ریزی در زمینه‌های مختلف روحی و معنوی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی، بهداشتی و امثال آنها می‌رسد. در بخش اقتصاد نیاز به برنامه‌ریزی کشاورزی، صنعتی، بازرگانی، داخلی و خارجی می‌باشد و همه اینها احتیاج دارد به نیروهای ساخته شده و کارآمد. نیروهایی که با ما همفکر باشند. اگر نیروها با هم همفکر نباشند برنامه‌ریزی‌هایشان ناهماهنگ می‌شود. اگر همه نیروها بر مبنای ایدئولوژی اسلامی، اسلام اصیل و زنده نباشند در نتیجه هر برنامه‌ای برای خودش یک آهنگ پیدا می‌کند و نمی‌شود از مجموعه این برنامه‌ها حرکت و تلاشی هماهنگ در جهت تداوم انقلاب بوجود آورد. مسأله این است که اداره یک جامعه امروز تشکیلات مملکتی است و این تشکیلات اگر خط فکری اسلامی اصیل، خط سیاسی کاملاً مستقل و نقطه نظرهای کاملاً حساب شده و صحیح و روشن اقتصادی و اجتماعی نداشته باشد نمی‌تواند کار یک تشکیلات را خوب انجام بدهد، نمی‌تواند عمل هماهنگ بوجود بیاورد، نمی‌تواند در برابر مسایل و مشکلات فراوانی که در زندگی امروز بشر هست راه حل‌های متناسب و هماهنگ عرضه بکند و حتی در مقابله با دشمن هم نمیتواند خوب عمل کند و عکس العمل مناسب و هماهنگ داشته

باشد. حزب به همین معنی است. ما می‌خواهیم بگوییم حزب را اول معنا بکنیم بعد درباره اینکه آیا لازم است یا نه تصمیم بگیریم. حزب به معنای تشکل است، شکل دادن و شکل گرفتن برای نیروها. خوب مگر می‌شود بدون تشکل زندگی کرد؟ می‌گویند آقایان تشکل را بگذارید، همین طور توده مردم تشکل پیدا خواهند کرد.

تشکل احتیاج دارد به ایدئولوژی مشترک، استراتژی مشترک، خط‌مشی مشترک، نقطه‌نظری‌های مشترک. بدون داشتن این نقاط مشترک و وجوه مشترک که مردم با هم متشکل نمی‌شوند، این که در کل انقلاب ما آرمانهای انقلاب مردم یک‌پارچه شوند در لوای یک رهبری مورد قبول بود، اما وقتی نوبت به ساختن جامعه و تداوم انقلاب می‌رسد، این چیز، خیلی خوب کافی نیست، لازم است ولی کافی نیست، و ما دیدیم پس از پیروزی انقلاب رهبر انقلاب امام و نفوذ ایشان بود، ولی خوب ایشان که نمی‌توانند خودشان بیابند مملکت را اداره کنند، ناچار باید افرادی را برای اداره مملکت دعوت به کار کنند. کسانی را هم که می‌شناختند دعوت کردند، همه اینها هم دنبال امام در کل انقلاب، کم و بیش در حرکت بودند، ولی از مجموعه اینها یک مجموعه هماهنگ بوجود نیامد، بلکه هر چند نفر از آنها یک طرز فکر داشتند، مربوط به حزب نبود مربوط به طرز فکر بود، هر چند نفر از آنها در برخورد با مسایل طرز فکری داشتند، نقطه‌نظرهایی داشتند و این نقطه‌نظرها با هم هماهنگ نبود، در نتیجه شورای انقلاب نتوانست یک عمل هماهنگ انجام بدهد، دولت موقت انقلاب نتوانست یک عمل هماهنگ انجام بدهد. نه وزرایی که در احزابی بودند و نه وزرایی که منفرد بودند، چون اداره یک جایی احتیاج به یک عمل هماهنگ دارد. آن تشکیلات سیاسی و اجتماعی اسلامی که بتواند طرح و برنامه هماهنگ و نقطه‌نظرها و موضع‌گیریهای هماهنگ و کادر هماهنگ را به وجود بیاورد، به آن می‌گوییم حزب. و حزب به این معنا ضرورت زندگی اجتماعی است و حزب به این معنی یعنی یک گروه دارای نقطه‌نظرهای اسلامی و سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی هماهنگ و دارای هماهنگی عملی و برخوردار از همسازي و دم‌سازی عملی و تشکل در طرح و برنامه و در اجرا چیز بسیار مفیدی است و از ضرورتها می‌باشد. و اما حزب به معنای دیگری که غالباً امروزه فهمیده می‌شود، یعنی یک گروهی که طالب قدرت هستند، دارو دسته راه می‌اندازند برای اینکه به قدرت برسند و نقطه‌نظر مشترک‌شان این هست که با هم به قدرت برسند و میراث انقلاب را میان خودشان تقسیم کنند، حزب به این معنا چیز خطرناکی است، چیز بدی است، چیز مزاحمی است. و نه تنها

برای انقلاب لازم نیست بلکه برای انقلاب و پیروزی انقلاب در مراحل بعدی مضر است. تا آنجا که به حزب جمهوری اسلامی مربوط می‌شود، ما حزب به معنی اول را خواستیم بوجود بیاوریم، نه حزب به معنی دوم را. و این را در جزوه‌های آموزشی هم گفتیم. توی بحثها هم گفتیم، مکرر گفتیم. ما خواستیم انسانهایی را که در خط راست اسلام، خط مستقیم اسلام می‌اندیشند و عمل می‌کنند و به استقلال کامل این مملکت، چه از نظر سیاسی و چه اقتصادی، علاقه دارند و معتقد هستند که این جامعه می‌تواند روی پای خودش بایستد و به سمت جلو حرکت کند و به پیروزی در مراحل بعدی انقلاب برسد، از مجموعه اینها یک تشکیلات نیرومند فعال به وجود بیاید که بتواند به صورت هماهنگ برنامه‌ریزی کند و عمل بکند.

تا چه حد موفق شده‌ایم جای سؤال می‌باشد. با صراحت باید بگویم که در این زمینه موفقیت ما چندان چشم‌گیر نیست، چون صرف نظر از چند نفری که بنیانگذار حزب بودند با چند تایی دیگر از دوستان که اینها توانستند با هم هماهنگی شان را نشان بدهند در طول عمل سیاسی و اجتماعی نتوانستیم یک میدان وسیع هماهنگ در سطح گسترده حزب بوجود بیاوریم که یک تشکیلی باشد متناسب با حزب، به این معنا که گفته شد.

ولی خوشبختانه اگر نتوانستیم هنوز یک نمونه خیلی فعال و خیلی خلاق از حزب به معنی صحیح آن باشیم، خوشبختانه حزب به معنی دوم هم نبوده‌ایم و نیستیم. و این یک دروغ است که به دوستان ما می‌بندند که اینها قدرت طلب هستند و انحصار طلب. چون دوستان ما عموماً با دعوت امام و با تاکید امام و با خواست امام رفته‌اند و کار می‌کنند و مسئولیت قبول کرده‌اند، نه اینکه مسئولیتها را قبضه کرده و میان خودشان تقسیم کرده باشند.

به هر حال حزب به معنی دوم چیز مضری برای انقلاب است و حزب به معنی اول از ضرورت‌های انقلاب می‌باشد.

سؤال: از چه زمانی و با چه کسانی به فکر ایجاد حزب افتادید؟

جواب: خود من از سالها پیش در فکر ایجاد یک حزب و جمعیت سیاسی اسلامی بودم، بخصوص پس از سال ۳۲ و کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و تجربه‌ای که از نهضت ملی ایران در سالهای ۲۹ تا ۳۲ به دست آوردم، سخت به این معنا معتقد بودم که باید نیروهای ما به شکل یک تشکیلات سیاسی

اسلامی فعال در بیابند و اخباری که از تشکیلات سیاسی اسلامی در جامعه‌های دیگر می‌شنیدم برایم جالب بود و من خبرها را با علاقه دنبال می‌کردم. وقتی که نهضت آزادی تشکیل شد با خوشحالی از این خبر استقبال کردم و وقتی در اساسنامه از اسلام به عنوان یک مکتب و از نهضت آزادی به عنوان یک حزب اسلامی تمام عیار یاد نشده بود به دوستان بنیانگذار نهضت آزادی انتقاد کردم و گفتم که این حزب مکتبی نیست، اسمش را هم گذاشته‌اید نهضت آزادی که آزادی همه اسلام نیست، آزادی از مسایل مهم بشری است و از ارکان اسلام، ولی همه اسلام نیست. دوستان گفتند برای اینکه ما خواستیم آنها که آرزوی دارند روی عنوان اسلام از این تشکیلات فرار نکنند.

ولی حقیقتش این که قصه فقط اسم نبود، قصه این بود که مرامنامه نشان می‌داد که یک عده مسلمان آمده‌اند یک حزب درست کرده‌اند، اما در این تشکیلات سیاسی اسلام را به عنوان یک مکتب تمام عیار مطرح نکرده‌اند. در عین حال به این تشکیلات علاقه مند بودم، برای اینکه لااقل چهره‌های برجسته‌ای از مسلمانهای متفکر، مبارز و فعال در این تشکیلات گرد آمده بودند؛ اما به همین دلیل که از نظر مکتبی و مرامی ملتزم به اسلام نبودند، از اینکه عضو آن بشوم خود داری کردم. در همان سالها بود که من به فکر یک مجموعه فعال برای شناخت ایدئولوژی اسلام در شکل یک مکتب تمام عیار افتادم و یک گروه تحقیقاتی برای بحث در پیرامون حکومت در اسلام بوجود آمد که زیر ضربات رژیم متلاشی شد. بعد به خارج که رفتم در ۵ سالی که در آلمان بودم باز آنجا برای متشکل کردن دانشجویان مسلمان برپایه اسلام با همکاری برادران و خواهرانی که آنجا بودند، اتحادیه دانشجویان مسلمان گروه پاسداران بوجود آمد و در اواخر این کار به چند تا از دوستان پیشنهاد شد که بیابند و یک هسته سیاسی تشکیلاتی را بوجود بیاورند که بتواند آن افرادی را که از دانشجویانی که آمادگی بیشتری را دارند جذب کند. درست همان سال اولی که آنجا بودم این قرار را گذاشتم، بعد آمدم ولی عملی نشد.

در سال ۴۹ که به ایران برگشتم باز دنبال این بودم که تشکیلات سیاسی خالصی بوجود بیاید تا سال ۵۰ که مسأله گروه مجاهدین خلق روشن شد و کشف شد از اینکه مجاهدین خلق یک سازمان سیاسی نظامی اسلامی به نظر می‌آمدند. خیلی خوشحال شدم و صمیمانه تأیید می‌کردم و آرزو می‌کردم که بتوانم در داخل جمع آنها حضور پیدا کنم. ولی معروف بودن من و اینکه یک چهره‌ای بودم که برای پلیس شناخته شده بودم و می‌توانست همه جا مرا به آسانی پیدا کند، مانع از این بود که

بتوانم رسماً در مجموعه اینها شرکت کنم. ولی بعد بتدریج به نارسایی‌ها و کمبودهای اساسی ایدئولوژی و سیاسی در کار مجاهدین پی‌بردم و وقتی که در سال ۵۴ آن بیانیه را آنها دادند، یعنی عده‌ای از آن‌ها بیانیه الحاقی را دادند، خیلی نگران شدم.^(۱)

در آن سال بود که به نظرم رسید که باید برای ایجاد یک سازمان سیاسی اسلامی اصیل تلاش کرد. درست در همان سالها بود که با عده‌ای از روحانیون مبارز جلساتی داشتیم و کمابیش تلاشهایی بود خوب تا تابستان سال ۵۶ بود که باز چند تا از دوستان مان به فکر ایجاد یک هسته روحانی متشکل بر اساس تاکید روی تقوی و ایمان، مبارز بودن و بینش مترقی اسلامی داشتن و در عین حال خالص اندیشیدن و اسلامی عمل کردن و مبرا از هر گونه گرایش غیر اسلامی و تفکر التقاطی افتادیم و در نظر داشتیم که این هسته روحانی مبارز متعهد، شاخه سیاسی و اجتماعی بوجود بیاورد و آن شاخه بتواند یک حزب و تشکیلات نیرومند سیاسی در خلاء اجتماعی ما پایه گذاری بکند. در اوایل ۵۷ بود که پایه این کار محکم شد با بعضی از دوستان جلساتی برای تهیه مرامنامه و اساسنامه تشکیل دادیم که عده‌ای از برادران شرکت داشتند و با دوستان گوناگون هم از قشرهای مختلف اجتماعی صحبت کرده بودیم و مصمم بودیم که موجودیت این حزب را بصورت مخفی و نیمه مخفی و یا اگر ممکن باشد علنی اعلام کنیم. و با مطالعاتی که کردیم که کدام اولی هستند، طبیعی است که در آن زمان هنوز فشار رژیم زیاد بود و اعلام کامل آن خطراتی داشت و باز برای آن کوشش می‌شد، فکر می‌کردیم و فکر کرده بودیم که آن کوشش را در فعالیت‌های عادی روحانیت قرار بدهیم که واقعاً این حزب باشد، اما ظاهرش تشکیلاتی باشد که در کنار روحانیت. بنابراین در عین اینکه علنی بود اما بصورت یک حزب نبود، حزب بودنش را مخفی نگه داشته بود، مشغول تدارکات این بودیم که فعالیت‌های گسترده برای انقلاب هم شتاب پیدا کرده بود که خوب تمام وقت ما را گرفت و از این کار تا موقع پیروزی باز ماندیم.

در عین حال سه یا چهار ماه مانده به پیروزی درست همان ایامی که امام در عراق تحت فشار بودند و به دنباله این فشار به پاریس رفتند، یکی از دوستان را با این پیام و با نمونه‌ای از مرامنامه و اساسنامه پیش امام فرستادیم که با امام صحبت کنند و نظر ایشان را هم راجع به این تشکیلات بپرسند. و آن دوست ما که امکان تهیه گذر نامه یعنی ویزای عراق برایش نبود، با چه دشواری‌هایی به

۱- منظور بیانیه‌ای که طبق آن سران سازمان مجاهدین خلق، به ارتداد خود از دین اسلام اذعان کرده و آن را رسماً یک سازمان مارکسیستی اعلان کردند.

سوریه رفت تا از آنجا بتواند با گرفتن برگه عبوری به عراق برود و به نجف برود، ولی این برگه دیر به دستش آمد و نتوانست به آسانی این برگه را پیدا کند و حدود دو روز قبل از حرکت امام از نجف به نجف رسید، اصل مسأله را با امام مطرح کرده بود، اما دیگر آن حال و احوال خاص فرصت تکمیل مطالب را پیدا نکرد و امام به پاریس رفت و آن برادر ما برگشت.

پس از رفتن امام به پاریس، من هم از اینجا به زیارت و دیدن امام به پاریس رفتم و از جمله مسائلی که با امام مطرح کردم این بود که ما یک چنین فکری داشتیم و برادرمان آقای طاهری خرم‌آبادی، آقای سید حسن طاهری^(۱)، که آمدند نجف با شما صحبت کردند. ایشان گفتند بله مطرح کردند اما نشد که کاملاً بحث بکنند، من [شهید بهشتی] با ایشان مفصل صحبت کردم. ایشان فرمود این بشرطی است که خیلی شما را از واجبات روزمره انقلاب باز ندارد.

بعد از آنکه به ایران برگشتم تا پس از پیروزی گرفتار کارهای روزانه انقلاب شدیم.

پس از پیروزی بار دیگر هم مطلب را برادرمان آقای رفسنجانی با امام مطرح کردند و نظر ایشان را جویا شدند و ایشان نظر مساعد و موافق دادند. بعد از یکی دو روز بود که آقای هاشمی با ایشان مجدداً ملاقات کردند، امام پرسیده بودند پس چه شد و اصرار داشتند که زودتر اعلام بشود و لذا ما برای اول اسفند در حدود ۷ یا ۸ روز پس از پیروزی حزب را اعلام کردیم. منتهی به دلیل هجوم مردم و ثبت نام در حزب عملاً نیروی ما در کارهای ثبت نام، ایجاد دفتر برای حزب و کارهای دیگری که لازمه این فعالیت بود مصرف شد و در این یک سال گذشته ما نتوانستیم آن طور که دلمان می‌خواست و آن طور که پیش بینی کرده بودیم کارهای حزبی انجام بدهیم. مسئولیتهای روزافزون ما در رابطه با انقلاب و مرحله پیروزی انقلاب روز بروز بار ما را افزوده‌تر می‌کرد و وقت ما برای فعالیت‌های حزبی کم می‌شد و طبعاً حزب آن انسجام واقعی را که ما می‌خواستیم پیدا نکرد.

حالا که به حمدالله کارهای مربوط به جامعه انقلابی اسلامی و جمهوری اسلامی از نظر فرم قانون اساسی، تشکیلات دولتی و امثال اینها رو به شکل گرفتن است و به مراحل نهایی شکل گرفتن نزدیک می‌شود امیدوار هستیم که ما بتوانیم آن کاری را که در یک سال موفق نشده‌ایم انجام بدهیم از این به بعد انجام بدهیم. به همین جهت من هنگامی که مسئولیت سنگین قوه قضائیه را بخواست امام و بنا به تأکید ایشان قبول کردم تعهد دادم که برنامه خودم را طوری تنظیم کنم که فعلاً بیش از هفته‌ای

۱- منظور حجة الاسلام والمسلمین سید حسن طاهری خرم‌آبادی است.

۱۰ ساعت و پس از پایان کار و شورای انقلاب به خواست خدا! بیش از هفته‌ای ۲۰ ساعت و قسم را فعالانه در حزب صرف کنم و امیدوار هستم که دیگر دوستان هم بتوانند با تعهد مقدار قابل توجهی از وقت فعال خودشان را در ساختن حزب ایفاء کنند. ساعاتی که من در حزب تعهد کرده‌ام فعلاً ۴ بعد از ظهر است که ۲ بعد از ظهر را در کارهای مدیریتی حزب حاضر می‌شوم و وقت صرف می‌کنم و ۲ بعد از ظهر در کارهای ایدئولوژی حزب بخش اقتصاد و بخش جهان بینی و فلسفه، و امیدوار هستم که به زودی این ۴ بعد از ظهر طولانی و پربارتر بشود.

سؤال: می‌گویند حزب با توسل به واژه جمهوری اسلامی سوء استفاده کرده. آیا ما می‌توانیم سؤال بکنیم که اصولاً چرا این اسم را انتخاب نموده‌اید؟

جواب: حزب این استفاده را نکرده و اینکه حزب از همان اول که بوجود آمد یعنی همان وقت که زیر بنای ایجاد حزب از مدتها قبل از پیروزی در حال شکل گرفتن بود، ما به ایجاد جمهوری اسلامی می‌اندیشیدیم. اندیشه ما جمهوری اسلامی بود. حتی اینکه شعار استقلال، آزادی، حکومت اسلامی، بعداً تبدیل شد به استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، در مطرح کردن این شعار همین بنیان‌گذاران حزب بودند که ابتکار به خرج دادند و این را مطرح کردند. بنابراین سوء استفاده‌ای در کار نیست و اندیشه‌ای که ما خودمان دنبال کردیم و خودمان در مقطع معینی در شعارهای انقلاب مطرحش نمودیم و شعار نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی را به میان کشیدیم و درست هماهنگ با امام، هم فکر با ایشان، همان طور که گفتم از همان اوایل خدمت ایشان رفتیم و مجدداً با ایشان تماس می‌گرفتیم و مطرح می‌کردیم چگونه می‌شود این یک سوء استفاده باشد؟ آیا این سوء استفاده است وقتی که ما درست همان شکل اندیشه و فرم اندیشه را در جامعه‌ای مطرح می‌کنیم.

سؤال: آیا به غیر از چند نفر از موسسین افراد دیگری در جریان اعلام حزب بودند.

جواب: در همان ماههایی که ما برای تشکیل یک حزب اسلامی مشغول مطالعه بودیم با عده‌ای از آقایان روحانیون، همان هسته روحانیونی که می‌گویم، آقای محمد علی موحدی کرمانی آقای محمد جواد کرمانی، آقای مشکینی، آقای ربانی املشی، آقای طاهری خرم آبادی آقای طبسی در مشهد و اعظ طبسی، آقای هاشمی نژاد، آقای مؤمن در قم و بعضی از دوستانی که در روحانیت بودند

و با ما همکاری داشتند نظیر آقای مهدوی کنی در تهران و آقای سید محمد موسوی خونی. همچنین با عده‌ای از دوستان غیر روحانی این مسأله را مطرح کردیم. ما فکر تشکیل حزب را حتی به آقای مهندس بازرگان، آقای دکتر [یدالله] سحابی، آقای عزت‌الله سحابی، آقای فریدون سحابی، آقای مهندس توسلی و آقای دکتر عالی و آقای مهندس کتیرائی شهردار فعلی تهران و عده‌ای از این دوستان تحصیل کرده در میان گذاشته بودم. و با عده‌ای از دوستانی هم که در اصناف هستند و سابقاً در فعالیت‌های مبارزاتی بودند نیز در میان گذاشته بودند. همچنین با آقای دکتر آیت و آقای عسگر اولادی و مرحوم عراقی و آقای اسلامی و آقای پیمان هم در میان گذاشته بودیم. و بنا بود در آن هسته اصلی من و آقای خامنه‌ای و آقای دکتر باهنر و آقای موسوی خونی و آقای دکتر پیمان بیش از همه روی تهیه برنامه و اساسنامه و تشکیلات و نقطه نظرها با هم کار کنیم. بطوری که آقای دکتر پیمان در این کار با ما جلسات زیادی داشتند و با هم چیزهایی تهیه می‌کردیم و آن چیزهای که تهیه میشد نتیجه کار مشترک ما چند نفر بود. موقع اعلام موجودیت حزب قبل از پیروزی را می‌گویم، یعنی آن وقتی که ما فکر کردیم که باید موجودیت آن را اعلام بکنیم، خیلی فکر کردیم که چگونه این کار را بکنیم. سرانجام یک راه حل به نظرمان این طور رسیده بود که یک مجموعه‌ای حدود ۴۰ تا ۵۰ نفر از گروه‌های مختلف اجتماعی اعلام موجودیت کنند که حدود ۱۳ نفر از روحانیون مبارز و ۲ از قشرهای دیگر باشند، و حتی برای تعیین اینها فکر کرده بودیم که همین دوستان از بین خودشان چند نفر را برای اعلام تأسیس انتخاب کنند. در یک مورد گفتیم که اعلام کردند ولی عملاً دیدیم که به اشکال برخورد کردیم و متوقف شد. تا اینکه اصلاً شتاب انقلاب ما را از این کار بازداشت و دیگر نتوانستیم این کار را دنبال کنیم.

پس از پیروزی دیدیم که اگر بخواهیم همین طرح را دنبال کنیم مدت‌ها طول می‌کشد و با گرفتاری‌هایی که تجربه کرده بودیم که انقلاب برای ما پیش می‌آورد ممکن بود که این کار عمل نشود، این بود که تصمیم گرفتیم ما ۵ نفر که در آن ماه‌های آخر بیشتر روی این کار فعالیت می‌کردیم، یعنی بنده، آقای خامنه‌ای، آقای هاشمی رفسنجانی، آقای باهنر و آقای موسوی اردبیلی، که بهتر بود، ما ۴ نفر بیشتر بودیم ولی چون آقا موسوی در کارهای علمی با ما همکاری داشته به ایشان هم گفتیم حالا. به آقای مهدوی کنی هم گفته بودیم ایشان علاقه نشان نداده بودند، به این دلیل ما ۵ نفر آمدیم و اعلام کردیم و گفتیم ما موجودیت حزب را صریحاً اعلام می‌کنیم. این که دیگر این طرف و آن طرف

افراد و گروهها به ما نگویند که چرا این بود و چرا آن نبود، چرا ما بودیم، چرا ما نبودیم، گفتیم ما موجودیت آن را اعلام می‌کنیم و پس از اعلام موجودیت همان دوستان دور هم جمع می‌شوند و کاری را انجام می‌دهیم.

سوال: آیا شهید مطهری در جریان اعلام حزب بودند.

جواب: ایشان می‌دانستند که ما یک فعالیت تشکیلاتی متشکلی کمابیش داریم. دقیقاً به یادمانده، اما به احتمال قوی به ایشان هم گفته بودیم که ما می‌خواهیم یک تشکیلات حزبی بوجود بیاوریم. مرحوم آقای مطهری اصولاً چه در کارهای علمی و چه در کارهای دیگر تنها کار می‌کردند. خود من در دو نوبت به ایشان پیشنهاد کردم که بیاییم کار تحقیقاتی مان را بصورت یک جمع محقق هماهنگ در بیاوریم، ایشان می‌خواست این کار را بکند و می‌گفت خوب است، ولی عملاً باز در همان کارهای فردی‌شان متمرکز و غرق می‌شدند. به هر حال من دقیقاً یادم نیست که آیا قبلاً ایجاد تشکیلات سیاسی را با ایشان کاملاً در میان گذاشتیم یا نه، چون اجمالاً ایشان می‌دانستند.

سوال: آیا شهید مفتاح در جریان اعلام حزب بودند.

جواب: نه، ایشان بعداً به حزب آمدند و در آن موقع ایشان در جریان این تصمیم ما نبودند. ایشان در روحانیت مبارز با ما همکاری داشتند، بعد از تأسیس حزب ایشان هم به حزب آمدند و یک مدت کوتاهی مسئولیت بخش روحانیت را به عهده گرفتند، ولی عملاً نتوانستند خیلی به این کار هم برسند، چون مقارن شد با ترور استاد مطهری و تهدید جانی افراد و اینکه ایشان احساس می‌کردند که در مدرسه آن ایمنی و امنیت را امکان دارد نداشته باشند.

سوال: نقش حزب را پس از اعلام موجودیت تحلیل نمایید.

جواب: حزب پس از اعلام موجودیت به سرعت توانست به صورت یک مجموعه بسیار بزرگ و نیرومند از هواداران جمهوری اسلامی در خط امام در بیاید، ولی این مجموعه با وجود آنکه در خطوط کلی انقلاب هماهنگ و صمیمی بود در برنامه‌ریزی و خطوط دقیق انسجام لازم را نداشت. بنابراین در کارها و فعالیت‌های عمومی حزب خدمات مؤثری کرد. در موارد بسیار توانست به بسیج

نیروها و بسیج توده‌ها دست بزنند. اولین بار ما در روز کارگر بود که به نظرمان رسید که پس از جمهوری اسلامی روز کارگر باید روز کارگری باشد که در لوای اسلام کار بکند، زندگی بکند و آن مراسم روز کارگر را در سطح کشور برگزار کردیم. حزب این کار را با همکاری روحانیت مبارز انجام داد. همین طور تا امروز. بنابراین حزب در فعالیتهای عمومی سیاسی اسلامی در این یک ساله نقشهای مؤثر متعدد، داشت بسیار هم پرارزش بود. در انتخابات مجلس خبرگان، نمایندگان مجلس خبرگان، که هدف این بود که بتواند یک قانون اساسی با طرز تفکر اسلامی تنظیم کند و برای آرای عمومی و رفراندوم آماده بکند باز نقش حزب نقش مؤثری بود. البته در معرفی نامزدها، حزب با گروه‌های دیگر ائتلاف کرد و در این ائتلاف ناچار بود که از سخت‌گیری نسبت به بعضی از معیارها دست بردارد و این برای حزب چه بسا مهلک بود، ولی به هر حال در آن طرف مطلب موفقیت ما برای تصویب یک قانون اساسی که از اسلام مایه گرفته باشد بسیار پرارزش بود. از تلاشهایی که برای منحل کردن مجلس خبرگان با حمایت سفارت آمریکا صورت گرفته و اسناد آن منتشر شده می‌توان فهمید که تلاش مشترک حزب و روحانیت مبارز متعهد برای تنظیم یک قانون اساسی اسلامی چه خدمت بزرگی به حفظ استقلال انقلاب ایران و ملت انقلابی ایران و نظام اجتماعی ایران بوده است. علاوه بر این همانطور که در کارنامه حزب آمده این حزب فعالیتهای وسیع تبلیغی و اجتماعی در زمینه‌های مختلف داشته که فشرده کارنامه آن در روزنامه منتشر شده و مفصل آن انشاءالله در یک جزوه منتشر خواهد شد چون آنچه در روزنامه منتشر شده در حقیقت بیشتر کارهای دفتر مرکزی است و حال اینکه فعالیتهای مهمی از حزب در دفاتر استانها و شهرها انجام گرفته و صورت گرفته که از مجموع آنها کارنامه مفصل‌تری را تهیه خواهند کرد و منتشر خواهند نمود.

سؤال: چرا حزب موضع‌گیری‌های سیاسی مشخص رانداشته.

جواب: بسم الله الرحمن الرحیم.^(۱) حزب موضع‌گیری‌های مشخصی داشت اما این موضع‌گیری‌ها نه اعلام می‌شد و نه تجلی عملی چشمگیری داشت. برای این که در این مدت بخصوص در موقعی که دولت آقای بازرگان سر کار بودند، ما تشخیص می‌دادیم که تضعیف دولت آقای بازرگان حتی با داشتن موضع‌گیری‌های مشخص حزبی عملاً سبب می‌شود که سیاست‌های ضد انقلابی

۱- وجود بسم‌الله در این وسط برای آن است که این مصاحبه در چند جلسه جداگانه انجام گرفته است، و ما نخواستیم حتی در این حد تصرف و آن را حذف کنیم. (یاد)

بهره‌برداری زیاد بکنند. این بود که ما که در حزب بودیم و در شورای انقلاب هم بودیم ترجیح دادیم که این موضعگیری‌های مشخص را فقط در داخل شورای انقلاب مطرح کنیم و تا آنجا که امکان تأثیر برای شورای انقلاب بوده منشأ اثر داشت، هم چنانکه با همین موضع گیریها جلو برخی از انحرافات شکننده و ناراحتی... [ها گرفته شد].

سؤال: به نظر می‌رسد که جامعه ما از یک استبداد سخت به یک آزادی گسترده رسیده، لذا گروه‌های فکری و سیاسی به سرعت مشغول کشت تفکر خویش هستند. آیا فکر نمی‌کنید نقش اصلی حزب باید در این جهت می‌بود و در این وضع کاملاً نقشش خالی بود؟

جواب: همین طور است. ما این نقیصه را در کار حزب دقیقاً می‌دانیم و اعتراف می‌کنیم. می‌دانید! تا حال دوبار ما تلاش برای حرکت ایدئولوژیک و تشکیلاتی این حزب را آغاز کردیم و در هر دو بار می‌دانید که شخصاً به امام پیشنهاد کردم که نیروی من آزاد باشد، به شورای حزب پیشنهاد کردم که نیروی من آزاد بماند که بتوانم در این زمینه فعالیت کنم، ولی نه تنها نیروی خود من بارها در اینجا به سمت مسئولیت‌های اجرایی کشانیده شد، بلکه نیروهای دوستان دیگرمان هم صرف کارهای اجرایی گردید. در حقیقت ما که می‌توانستیم در این بعد منشاء اثر فراوانی باشیم به حکم ضرورت به کارهای اجرایی کشانیده شدیم. من یک بار موقعی که آقای مهندس بازرگان اصرار کردند که چند تا از دولت به شورا بیایند و چند تا از شورا به دولت بروند. به امام پیشنهاد کردم که موافقت کنند چون هر کس کارش را می‌کند دیگر من نباشم و ایشان فرمودند نه حتماً باید بمانی و دوستان تان هم باید بمانند و نقش تعیین کننده‌ای در کارها داشته باشید و کاملاً مراقب باشید که انقلاب از مسیر خودش منحرف نشود.

بار دیگر موقع مجلس خبرگان بود یادتان می‌آید من به حزب پیشنهاد کردم که من جزو نامزدهای مجلس خبرگان نباشم اما شورای حزب تأکید کرد که باشم. روحانیان، مدرسان حوزه علمیه قم تأکید کردند که باشم، دوستان هم تأکید کردند که باشم، با این استدلال که این نظر وجود خواهد داشت که مدیریت آن مجلس و اداره امور احیاناً آسیب ببیند. اخیراً هم یعنی بار سوم در این نوبت اخیر به امام پیشنهاد کردم که مرا آزاد بگذارند و ایشان تأکید کردند که مسئولیت امور قضایی را باید به عهده بگیرم.

بنابراین ما گرفتار شدیم ولی همانطور که می‌دانید اخیراً با یک نوع تقسیم صحیح وقت، کارمان را شکل یافته آغاز کردیم و به نتیجه این کار برای آینده امیدوار هستیم.

سؤال: به این ترتیب این سؤال را طرح می‌کنم که نقش حزب پس از اعلام موجودیت، چه بوده است؟

جواب: نقش اساسی حزب این بوده است که توانسته در فعالیتهای سیاسی زنده روز که نقش مؤثری هم داشت در پیشبرد انقلاب حضور داشته باشد. به نظر من، تظاهرات و راهپیمایی حزب از روز کارگر گرفته تا تظاهرات دیگر، در انتخابات مجلس خبرگان و همین‌خالا ببینید در انتخابات نمایندگان مجلس شورا و همچنین حضور عده‌ای از اعضای حزب در شورای انقلاب و در وزارت خانه‌ها و در نهادهای انقلاب، اینها در حقیقت سبب شده است که حزب با آن خط اصیل اسلامی‌اش، نقش مؤثری را برای جلوگیری از انحراف انقلاب داشته باشد.

من صریحاً می‌گویم حزب جمهوری اسلامی، درست به همان دلیل مورد این همه هجوم قرار گرفته که دشمنان حتی حضور فعال و خلاق آن را در انقلاب و حفظ خط راست انقلاب درک کرده‌اند. بنابراین حزب با بینشی خوب چه از نظر اسلام و تفکر خالص اسلامی و چه از نظر سیاست و استقلال کامل سیاسی، نقش خودش را ایفا کرده، منتها از نظر تشکیلات و از نظر ساخت ایدئولوژیک هنوز آن رشد کافی را نکرده و ما مطالعات اقتصادی مان را منظم کرده‌ایم، مواضع مان را حتی مشخص کرده‌ایم و می‌نویسیم علاوه بر این هم باید بگویم که ما مقداری از مواضع مان را عملاً در قانون اساسی آوردیم. به نظر من این که قانون اساسی الان با یک بافت و یک محتوی و ساخت به نسبت اصیل اسلامی و نشان دهنده نه شرقی، نه غربی تا حدود زیادی البته هست، این هم باز مقدار زیادی‌اش، ناشی از حضور فعال و خلاق حزب است. امیدوارم که ما بتوانیم با سرعت و در فاصله کوتاه این دو کمبود را برطرف کنیم.

سؤال: آیا برنامه تدوین شده ایدئولوژیک - سیاسی - اقتصادی در حزب وجود دارد؟

جواب: بله، الان وجود دارد، ما همان دیده‌ها و نقطه نظرهایی را که در سخنرانی‌ها در بحث‌ها و مصوبات و در برخوردها و در روزنامه منعکس کرده‌ایم به صورت موجود به آن صورت که می‌بینید

اینها را تنظیم می‌کنیم، برنامه منظم هفتگی برای جلسه اقتصاد، جهان‌بینی و فلسفه داریم. البته ما قبل از آن هم مطالبی داریم که منتشر خواهیم کرد. برنامه‌های سیاسی و برنامه‌های اقتصادی - اجرایی مدتهاست که شروع شده و آن جزوه تورم یک نمونه‌ای از نتیجه کار این گروه‌ها بود. جزوه‌های دیگر هم تهیه کردند. بنابراین، این برنامه‌ها آغاز شده و رو به شکل گرفتن و اوج گرفتن است.

سؤال: آیا تا کنون از طرف امام رسماً پیشنهاد مشخصی در جهت همکاری و مشورت با حزب شده یا نه؟

جواب: یکی دو نوبت صحبت این بود که دولت موجود و قوه مجریه موجود توانایی همکاری سریع با آرمان انقلاب و خط انقلاب را ندارند، پیشنهاد کردند که آیا حزب می‌تواند دولت تشکیل بدهد. به ایشان عرض کردم به نظر من هنوز خیر. برای اینکه حزب باید دولتش، یک دولت کاملاً مستقل و دارای برنامه مشخص باشد ما در این زمینه به آن مرحله از رشد نرسیدیم. علاوه بر این مکرر اظهار علاقه کرده‌اند که حزب حضور خودش را در جامعه گسترده‌تر و فعال‌تر کند. در مورد انتخابات مجلس شورا ایشان مکرر فرموده بودند که حزب بکوشد نمایندگان زیادی را به مجلس بفرستد. در مورد مجلس خبرگان ایشان تأکید داشتند که حزب با جامعه مدرسین ائتلاف داشته باشد و با اینکه ایشان در مورد مجلس شورای اسلامی تأکید کرده بودند که حزب حضور فعال داشته باشد و ما یک کلمه این را ابراز نکردیم، چون نمی‌خواستیم از این استفاده تبلیغاتی کنیم.

سؤال: موضع حزب نسبت به مجاهدین خلق و چریکهای فدایی و حزب توده و دیگر جناحهای چپ چیست؟ و چرا تا حالا صریحاً این مواضعی که می‌فرمایید اعلام نشده؟

جواب: در این یک ماه اخیر روزنامه به اندازه کافی این مواضع را اعلام کرده، و ما هم جلوتر مکرر بصورت کم رنگ‌تر این مواضع را اعلام کرده بودیم. اما نسبت به گروه‌های الحادی مثل فدائیان و حزب توده بعلاوه همه گروه‌های ماتریالیستی و مادی ما همیشه اعلام کردیم اصلاً حزب جمهوری اسلامی یعنی اینکه راهش از راه آنها جداست و اما نسبت به مجاهدین خلق که دارای تفکر التقاطی هستند، نسبت به اینها هم مکرر گفته‌ایم که باید تفکری خالص اسلامی داشته باشند، نه التقاطی، و استقلال کامل و نه گرایش به شرق و پذیرش اردوگاه سوسیال امپریالیستی شرق، بنابراین.

ما در هر دو مورد موضع مان را مشخصاً اعلام کرده‌ایم. منتهی ما از این جنگ گروهی همیشه بدمان می‌آید و بسیار معتقد هستیم به ساختن نسل انقلابی مان و مردم انقلابی مان با معیارهای اصیل خط اسلامی نه شرقی نه غربی و روی این بیشتر کار کرده‌ایم و از این به بعدها هم بیشتر روی این کار خواهیم کرد. بنابراین مواضع ما به تدریج مشخص شده و بخصوص در این یک ماهه اخیر روزنامه در این زمینه گام‌های سریع و صریح بلندی برداشته.

سؤال: شورای مرکزی حزب چه کسانی هستند و چگونه و با چه ضابطه‌ای انتخاب شده‌اند.

جواب: شورای مرکزی حزب که بر اساس ۳۰ نفر انتخاب شده‌اند از روحانیون مبارز دانشگاهیان، پیشه‌وران، دانشجویان، فرهنگیان و کارگران، از خواهران و برادران تشکیل شده. در حال حاضر که در این شورا ۳۱ نفر عضو دارد ۶ نفر روحانی هست و ۵ نفر پیشه‌ور، ۱ دانشجو، ۱ کارگر، ۲ فرهنگی و چند تا از دوستان مبارزی که نمی‌شد برای شان شغل گرفت، چون سالها زندان بودند و حالا تازه از زندان در آمدند که یکی از آنها استاندار شده و یکی دیگر در بنیاد مستضعفین کار می‌کند و چند نفر هم از اساتید دانشگاه. این ترکیب فعلی شور است. در شورا عده زیادی از چهره‌هایی هستند که سالها فعالیت مبارزاتی دارند و بسیاری از آنها سابقه زندانی طولانی دارند و انتخاب این دوستان به وسیله هیأت مؤسس بر اساس معیارها و ضوابطی که حزب برای عضو در اساسنامه مشخص کرده انجام گرفته است. همانطور که می‌دانید ما دادن کارت عضویت را آغاز کرده‌ایم و امیدواریم از اول اردیبهشت پس از اعلام مواضع کلی حزب در مسائل مختلف و تعیین یعنی قبول عضویت از یک عده که بیش از ۳۰۰ نفر باشند با ۳۰۰ نفر عضو نخستین کنگره را تشکیل بدهند و شورای مرکزی را آنها انتخاب کنند و البته بر حسب آن شناختی که داریم ما همین حالا هزاران عضو واقعا می‌توانیم داشته باشیم و اینکه گفتیم ۳۰۰ نفر مطابق حداقل گفتیم، ما هزاران عضو شناخته شده می‌توانیم در سرتاسر ایران داشته باشیم و به اینها کارت عضویت خواهیم داد و نخستین کنگره از نمایندگان منتخب این اعضاء انشاء الله در اردیبهشت ماه تشکیل می‌شود.

سؤال: بودجه حزب از کجا و چگونه تأمین می‌شود؟

جواب: بودجه حزب از کمک افراد علاقمند تأمین می‌شود و می‌دانید موسسش پنج چهره

روحانی بودند و این روحانیون سالهاست که با افراد علاقمند مسجد ساختند، پل ساختند، مدرسه ساختند، حمام ساختند، فعالیتهای تبلیغاتی کردند، کتاب منتشر کردند، کتابخانه درست کردند. بنابراین دارای پایگاههای مردمی برای جلب بودجه‌های اسلامی بودند و چون حزب، حزب اسلامی است و فعالیتهای اسلامی دارد اجازه هم دارد که از وجوهات شرعی برای این کار مصرف کند. مقداری از بودجه‌های خودش را از همین طریق خرج کرده و مقدار خیلی زیادی برای فعالیتهایی که داشته قرض گرفته و مقداری را هم الان پرداخت کرده‌اند. ولی اساساً حزب بر پایه حق عضویت اعضاء کار کند و این کار را هم همینطور که می‌دانید آغاز کرده‌ایم و باید بگویم حوزه‌های دانشجویی مان هم فعلاً ماهی حداقل ۱۰۰ تومان را آغاز کرده‌اند.

سؤال: برای آینده حزب چه برنامه‌هایی دارید؟

جواب: قبل از هر چیز مشخص کردن مواضع سیاسی و ایدئولوژی و اقتصادی حزب و مواضع فرهنگی - اجتماعی - اخلاقی حتی سازماندهی سریع حزب بر این اساس و اینکه به یک صورت تشکّل نیرومند منسجم در بیاورند. منتهی همانطور که می‌دانید عده‌ای نامزدهای حزب در انتخابات مجلس در همین مرحله اول انتخاب شده و بطوری که امروز عده‌ای از این خبرنگارهای خارجی که آمده بودند گفتند حزب شما که اکثریت را پیدا است دارد و حالا بگوئید حزب اکنون می‌خواهد چه کار بکند؟ از همین حالا فکر می‌کنند حزب، حزب اکثریت است البته من گفتم قبول نمی‌کنم و هنوز زود است که ما بگوئیم یک حزب اکثریت دارد یا نه. ولی به هر حال عده قابل ملاحظه‌ای از حزب انتخاب شده‌اند که بنابراین مسئولیت‌های سنگینی از نظر برنامه و مجری همین حالا داریم و احیاناً تشکیل دولت خواهد داشت، ولی این کاری نیست که ما را از آن دو کار اصلی باز دارد.

سؤال: حزب در شهرستانها بیشتر و در تهران به نسبت کمتری در جذب نیروهای جوان موفق

بوده، علت این امر را در چه می‌دانید؟

جواب: همان مشخص نبودن مواضع ایدئولوژیکی، نبودن نشریات منظم آموزشی و نرسیدن به کار و سازماندهی و تشکیلات. ما می‌توانستیم این کار را بکنیم. البته دشمنان انقلاب، اسلام و معاندان اصالت اسلامی انقلاب که دشمنان حزب جمهوری اسلامی هم هستند و اینها از این کمی حضور ما

در جامعه و کمی تماس مستقیم ما با جامعه سوءاستفاده کردند و به سمپاشی‌های حساب شده و همه جانبه‌ای علیه حزب دست زده‌اند که آن هم تأثیر در این جهت ندارد ولی خوشبختانه (کلمة الله هی العلیا) کلمة خداوند بالاترین کلمه است. می‌بینید که حزب بار دیگر از زیر این همه یورش سرفراز بیرون می‌آید و همین مقدار از انتخابات که نتیجه‌اش مشخص شده نشان می‌دهد که مردم عزیز ما بهترین پناهگاه و پایگاه اعتماد خودشان را هنوز هم حزب جمهوری اسلامی می‌دانند، نه همه ملت ایران، ولی قشر وسیعی از ملت ایران این اعتماد را دارند. ما هم به جبران گذشته شتافته‌ایم. می‌دانید در این یک ماه اخیر حضور خودمان را در دانشگاه‌ها و در میان مردم در مساجد و در محله‌های جنوب شهر افزایش داده‌ایم و انشاءالله به شهرستانها هم خواهیم رفت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی